

هویت ملی و فرهنگ عامه

تهیه کننده : خدیجه رحیمی (پاییز) _ فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی

دبیر آموزش و پرورش محلات و مدرس دانشگاه پیام نور دلیجان

کلیدواژه ها : هویت ملی _ فرهنگ عامه _ امثال و حکم _ مثل واره

چکیده :

"هویت ملی" هر کشور مجموعه ای از باوره، سنن، آداب و رسوم، فرهنگ و ادبیات است که افراد را چون تاروپودی به هم می پیوندد. بخش مهمی از همین هویت، فرهنگ عامه است و از شاخه های فرهنگ عامه ادبیات شفاهی است که شامل : قصه ها، افسانه ها، اسطوره ها، ترانه ها، ضرب المثل ها، حکمت ها و..... می باشد. این فرهنگ، چون متعلق به عامه است با واقعیت های زندگی مردم پیوند و ریشه در فرهنگ و تاریخ گذشته ی آنان دارد. اما آیادر ادبیات و به ویژه شعر نونیز که به نظرمی رسد با تحول در ساختار و فرم و محتوا از هر چه ریشه در بخش سنتی ادبیات دارد فاصله گرفته است، می توان فرهنگ عامه را جست و جو کرد؟ این مقاله کوشیده است تا با بررسی اجمالی امثال و حکم در آثار پنج شاعر سرآمد شعر نو (نیما، اخوان، شاملو، فرخزاد و سپهری) به این سوال اساسی پاسخ دهد.

مقدمه :

هویت ملی رشته ی مرئی و محکمی است که تاروپودا فرادیک ملت رابه هم می پیوندد. همان چیزی که شاید عامه ی مردم نتوانند تعریف درست و واضحی از آن ارائه دهند اما آن را خوب می فهمند و در لحظات خاص و حساس برای رفع مشکلات و ابهامات خویش از آن استفاده می کنند.

بخشی از هویت ملی هر قوم، فرهنگ عامه ی اوست و از شاخه های فرهنگ عامه ، ادبیات شفاهی است که قصه ها، افسانه ها، بازی ها، ترانه ها، اسطوره ها ، ضرب المثل ها و..... را شامل می شود .

"مثل ها" داستان زندگی مردم اند و همچون آینه ای روشن ، تاریخ و فرهنگ یک ملت را در خود بازمی تا با نند و شاعر واسطه ی امینی که میان نسل گذشته و آینده بخشی از آن فرهنگ و تاریخ را از این طریق منتقل می سازد.

شاعران معاصر هم که شعرشان از شاخه های تازه رسته و البته پر طراوت درخت دیرپا و کهنسال ادب پارسی است خود را از این آبشخور غنی بی بهره نگذاشته اند و اتفاقا از آنجاکه شعر معاصر از لحاظ زبان به منطق گفتار و طبع زبان مردم نزدیکتر شده است - از فرهنگ عامه و به ویژه امثال و حکم در آثارشان به خوبی استفاده کرده اند و در پر تو این خورشید زوایای پنهان و تاریک پندار و کردار مردمان را باز نمایا نده اند . به عبارت دیگر درست است که ایشان به تغییر در ساختار و فرم شعر اندیشیده اند و دغدغه ی اصلیشان ادبیات نو برای دنیای نو بوده است اما هرگز هویت ملی خویش را فراموش نکرده اند و اتفاقا کوشیده اند از روش های گوناگون در تثبیت و قوت آن استفاده کنند. در این مقاله با ارائه ی نمونه هایی به صورت مختصر، حضور امثال و حکم و فرهنگ عامه در شعر پنج شاعر سرآمد معاصر (نیما ، اخوان، شاملو، فروغ و سپهری) بررسی خواهد شد.

به نام خدا

"هویت ملی" مجموعه ای از باورها، سنن، اسطوره‌ها، داستان‌ها، زبان و تاریخ یک ملت است که تک تک افراد آن را با هم‌دلی و اتحاد به هم می‌پیوندد. آن چیزی که غالب مردم یک کشوری دانند، می‌فهمند، رعایت می‌کنند و در لحظه‌های خاص و حساس تاریخی و اجتماعی بیشتر و بهتر با آن ارتباط برقرار می‌کنند و از آن در جهت رفع مشکلات و شبهات خویش استفاده می‌کنند. "هویت ملی را برای این ساخته اند که بگویند ملت دارای فلان هویت است و بنابراین وحدت دارد. زیرا هویتی معلوم عامل پیوند آحاد ملت است و اقوام متشکله ی ملت را چون تار و پود به هم می‌تند و ورشته ی استوار هم‌دلی و هم‌دلی و هم نفسی افراد ملت به شمار می‌رود و بنابراین باعث و بانی وحدت و یکپارچگی است." (۱)

یکی از نمودها و نمادهای هویت ملی ایرانی زبان فارسی است. زبانی که در دل خود اسطوره، افسانه، رمز، امثال و حکم باور داشت، آیین و سنن ایرانی را بازمی‌تابد. زبانی که اکثر اقوام ایرانی آن را می‌فهمند و با آن ارتباط برقرار می‌کنند و ادبیات فارسی که آینه ی تمام نمای فرهنگ و تاریخ ایران است با همین زبان نوشته و بیان می‌شود و لاجرم بخش مهمی از پیکره ی هویت ملی ما است.

در یک تقسیم بندی معمولی آثار ادبی را می‌توان به دو بخش: رسمی (فره‌یخته) و عامیانه تقسیم کرد. ادبیات عامیانه بخش مهمی از ادبیات هر ملت را تشکیل می‌دهد. ادبیاتی فراگیر و گسترده و تاثیرگذار حتی در ادبیات رسمی. ادبیاتی که بالای‌های پنهان جامعه ارتباط برقرار می‌کنند و با جریانی آرام و ساده در کنار ادبیات رسمی در طول تاریخ به کمک مردمان یک کشور می‌شناختند. "ادبیاتی که به عوام و توده ی مردم تعلق دارد توده ای که یا توان نوشتن نداشتند یا سلاطین و صاحبان قدرت امکان و اختیار این کار را از آنان سلب کرده اند. ادبیاتی که ادامه ی کار و فعالیت و زندگی مردم است مکمل عمل و وسیله ی ارتقای زندگی محسوب می‌شود و بنابراین ادبیاتی واقع گراست" (۲).

درست است که بخش‌هایی از این ادبیات ساده و بی‌پیرایه که نسل به نسل از سینه ی مردم گذشته و روایت شده و مستقیماً از زندگی و طبیعت اطراف آنان گرفته شده است بنا بر مقتضیات زمان دگرگون می‌شود و تغییر می‌یابد اما باز هم رسالت انتقال تاریخ و فرهنگ را فراموش نمی‌کنند و در گذر زمان باری از رفتار منش اندیشه و احساس و اعتقادات هر جامعه را با خود به زمان بعد می‌آورد.

"ضرب‌المثل‌های منظوم یا منثور که در میان توده ی مردم گسترده شده از انواع رایج ادب عامیانه است. این امثال به سبب فصاحت و زیبایی مضمون مقبول طبع عامه واقع می‌شود"

شود و میان آنان شایع می گردد. مثل حکمت توده ی مردم و عصاره ی افکار یک ملت است بامعانی عمیق و باریک که در موقعیت های مناسب به کار می رود و در نتیجه به ایجاز کلام کمک می کند. " (۳)

آنچه در این نوشتار مورد بررسی قرار می گیرد حضور امثال و حکم و فرهنگ عامه در شعر شاعران نوپرداز است. بدین لحاظ که اصطلاح فرهنگ عامه از نظر معنایی باری سنتی و کلاسیک دارد و معمولاً ادبیات کلاسیک و گذشته ی ادبی رابه ذهن متبادری کند و به نظری رسد با ادبیات نو بیگانه باشد. از سویی دیگر ادعای سردمداران شعر نو مبنی بر ایجاد تحول در ساختار و شکل و محتوای شعر این معنی رابه ذهن می آورد که آنان با هرچه ریشه در بخش سنتی ادبیات دارد بیگانه اند اما بررسی اجمالی آثار پنج شاعر برجسته ی نوپرداز (نیما ، اخوان ، شاملو ، فروغ و سپهری) نشان می دهد که آنان علی رغم برخی تصویرها با ادبیات و سنت گذشته و هویت ایرانی بیگانه نیستند و اتفاقاً در آثار خویش به میزان خوبی از فرهنگ عامه و امثال و حکم به عنوان یکی از نمادهای هویت ملی استفاده کرده اند. اینک به صورت اجمال به امثال و حکم موجود در آثار ایشان نگاهی می اندازیم:

مثل های فارسی :

- مونس جان منی ای آرزوی وصل جانان
من جوانم آرزوعیبی نباشد بر جوانان
اخوان- ارغنون (مونس جان منی)
- لحظه هامی گذرد / آنچه بگذشت نمی آید باز
سپهری- ۴۵
- این رشته سردراز دارد یعنی: چندان که بگردیم همان خواهد بود
نیما - رباعیات
- هیچ ممکن می شود آیا / که بود بالاتر از رنگ سیاهی رنگ؟
نیما- خانه سریویلی
- تا نخوری ندانی / حلوی تن تنانی
شاملو- ۱۰۱۲
- از من است این غم که بر جان من است
دیگر این خود کرده را تدبیر نیست
فرخزاد- ۶۹
- مگه دیفار خزه موش نداره مگه موش گوش نداره ؟
شاملو- ۴۰۶
- مقصود من ز حرفم / معلوم بر شماست : / یک دست بی صداست
نیما - قایق
- و دم فرو بستن آری / به هنگامی که سکوت / تنها نشانه ی قبول است و رضایت.
شاملو- ۶۲۸

مثل های عربی :

- در این زمینه ۴ مورد دیده شد که همه ی موارد در آثار اخوان استفاده شده است نظیر:
- در مثل گویند "المأمور معذور" این درست
لیک من خود نیز بودم خشمگین بر سر تو را
اخوان- تورا ای کهن.... (نقد و منظومی ...)

"المأمور معذور (مأمور و معذور بودن) نظیر: ماعلی الرسول الالبلاغ" (۴)

مثل واره ها :

"استعاره های تمثیلیه یا کنایاتی هستند که به شکل فعل بامصدر مرکب می آیند و مثل فعل مرکب قابل صرف کردن هستند" (۵)
لازم به ذکر است منظور ما استعارات و کنایاتی است که در تداول عامه رایج است و مکرر به کار می رود:

- خودگوشه گرفته ام تماشا را کآب در خوابگاه مورچگان ریخته ام نیمه-رباعیات

(آب در خوابگاه مورچه هاریختن یا افتادن)

- روی جاده نقش پایی نیست از دشمن / آفتابی شو
(آفتابی شدن) سپهری- ۷۰

- همهم آرزوبه کلبه ی شعر آرد هابییخت پروزن آویخت اخوان-زمستان (بی سنگر)

(آرد هارا بیختن والک هارا آویختن)

- بامن به مرگ سرداری که از پشت خنجر خورده است گریه کن! شاملو- ۲۹۷

(از پشت خنجر زدن (خوردن))

- من به اورنج واندوه دادم من به خاک سیاهش نشاندم فرخزاد-اسیر (رویا)

(کسی رابه خاک سیاه نشاندن)

- انقده پا به پا نکن که دوتایی تاخرخره فروبریم توی لجن فرخزاد- ۲۹۶

(پابه پا کردن) - (تاخرخره در چیزی فرورفتن)

اصطلاحات مردمی :

ترکیبات یا اصطلاحات و جملاتی که مثل یامثل واره نیستند اما در میان مردم جاری و ساری اند و در موقعیت های مختلف و به اقتضای شرایط به کار می روند:

- باپزاشرافی عالی / جای اودر بزم ازما بهتران خالی اخوان-گزیده اشعار (زندگی می گوید....)

- پدرمی گوید: ازمن گذشته است //ازمن گذشته است فرخزاد- ۳۴۶

- علی کجاست تو باغچه / چی می چینه؟ آلودجه

آلودجه ی باغ بالا/جرات داری بسم الله

فرخزاد- ۲۹۷

- حسنقلی غصه خورک خنده نداری به درک شاملو- ۱۰۰۶

- مسیحی جوانمردمن ای ترسای پیرو پیرهن چرکین / دمت گرم و سرت خوش باد
اخوان- زمستان

باورها :

جمله های تعابیری که به گونه ای اعتقاد یا باوری را به یاد می آورند. این باورها معمولاً نشات گرفته از ملیت فرهنگ یا مذهب ماست:

- وه چه شوم است اگر جغد بخندد در شب

من شنیدم که به من شب همه شب می خندد اخوان- ارغنون (ای کاش)

بد شگونی جغد : عوام معتقدند که اگر جغد در شب بخواند شوم است و به طور کلی این پرنده بدشگون و نا مبارک است.

- مریز باده ی عشقم به خاک ره نچشیده

اخوان- ارغنون (هدیه)

بنوش از آن که مراداست آب ناطلبیده

آب نطلبیده مراداست : چون ناخواسته آب برای کسی آرنده فال نیک است . (۶)

- من خواب یک ستاره ی قرمز دیده ام / وپلک چشمم هی می پرد. فرخزاد-۳۵۲

پریدن پلک چشم : پلک چشم چپ بپردخوشحالی است وپلک چشم راست بپردغم
واندوه می آورد (۷)

- تو خواب آگه ماهی دیدی خیربا شه فرخزاد - ۲۸۰

ماهی در خواب دیدن (۸) نشانه ی خوبی است.

-هر که می گوید: / گرامی داشت باید میهمان را.
میهمان حبیب خداست (۹)

- در خیال استجابت های روزانی / مرغ آمین رابدان نامی که اوراهست می خوانند
مردم . نیما-مرغ آمین

مرغ آمین مرغی است افسانه ای که می گویند هرگاه کسی دعایا نفرین کند ودر آن
هنگام مرغ آمین در پرواز باشد آن دعایانفرین بی درنگ اجابت خواهد شد.(۱۰)

نتیجه گیری :

از مجموعه ی آنچه گفته شدوبی شک تنهاگذری کوتاه بر آثار قابل تامل پنج شاعر سرآمد شعر نو (نیما-اخوان-شاملو-فرخزاد-سپهری) بود می توان نتیجه گرفت که شاعران معاصرونوپرداز ما برخلاف برخی تصویرها از فرهنگ غنی ایرانی واسلامی نگسیخته اند و اگرچه در پی بنا کردن قالب وساختاری نو برای شعر فارسی بوده اند اما هیچگاه هویت ملی خویش را فراموش نکرده اند و اتفاقا آثارشان سرشار از نمادها و اجزای هویت ملی و فرهنگ ایرانی واسلامی است. ایشان کوشیده اند بازبان مردم ودغدغه های تاریخی واجتماعی آنان پیوندگیرند و در خلال اشعارشان پیام رسان دردها وفریادهای مشترک انسان ها و ایرانی ها باشند.

در پایان توجه خوانندگان عزیز را به جدول زیر که تاحد زیادی نشان دهنده ی میزان حضور بعضی عناصر فرهنگ عامه در آثار شاعران معاصر است جلب می نمایم:

| تعداد صفحات آثار | فرهنگ عامه شاعران معاصر | مثل های فارسی | مثل های عربی | مثل واره ها | اصطلاحات مردمی | باورها | ترانه ها | جمع | درصد |
|------------------|-------------------------|---------------|--------------|-------------|----------------|--------|----------|-----|-------|
| ۱۳۷۶ | اخوان | ۳۴ | ۴ | ۹۹ | ۱۴ | ۱۴ | ۳ | ۱۶۸ | ۱۲/۲۰ |
| ۴۴۴ | سپهری | ۲ | --- | ۸ | ۳ | ۱ | --- | ۱۴ | ۳/۱۵ |
| ۱۰۳۴ | شاملو | ۵ | --- | ۶۳ | ۹ | ۳ | ۴ | ۸۴ | ۸/۱۲ |
| ۳۶۲ | فرخزاد | ۱ | --- | ۱۴ | ۷ | ۴ | ۲ | ۲۸ | ۷/۷۳ |
| ۵۸۰ | نیما | ۱۴ | --- | ۶۹ | ۲ | ۵ | --- | ۹۰ | ۱۵/۵۱ |

پانوشت ها :

- ۱- هویت ملی و هویت فرهنگی ، ص ۹۶
- ۲- فصلنامه ی علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۱۰، ص ۱۲۶
- ۳- ادبیات فارسی (۲) ، دوره ی پیش دانشگاهی ، ص ۱۳۹
- ۴- امثال و حکم ، ج(۱) ، ص ۲۷۰
- ۵- درنوشتن این سطورازدیباچه ی کتاب فرهنگ نوین ، تالیف احمدابریشمی بهره برده ام. لازم به ذکر است که ایشان این مواردرا (مثل گونه) گفته انداما نگارنده احساس می کند اصطلاح (مثل واره) به لحاظ موسیقایی زیباتر است.
- ۶- گزیده ی امثال و حکم ، ص ۳
- ۷- نیرنگستان ، ص ۵۵- کوچه (حرف پ دفتراول) ، ص ۴۴۰
- ۸- نیرنگستان ، ص ۴۸
- ۹- همان ، ص ۷۷
- ۱۰- کوچه (حرف آ) ، ص ۶۵۱

منابع :

- ابریشمی ، احمد ، " فرهنگ نوین " ، تهران : انتشارات زیور، چاپ اول، ۱۳۷۶ .
- اخوان ثالث ، مهدی ، "ارغنون" تهران: انتشارات مروارید ، چاپ یازدهم ، ۱۳۷۹ .
- اخوان ثالث مهدی " تورا ای کهن بوم وبر دوست دارم "، تهران :انتشارات مروارید، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.
- اخوان ثالث ، مهدی ، "زمستان "، تهران :انتشارات مروارید، چاپ هفدهم ، ۱۳۸۰.
- اخوان ثالث ، مهدی ، "گزیده ی اشعار"، تهران:انتشارات مروارید، چاپ دوم ، ۱۳۷۰.
- دبیرسیاقی ، سیدمحمد، "گزیده ی امثال وحکم دهخدا"، تهران :نشر تیراژه ، چاپ چهارم ، ۱۳۶۶.
- دهخدا، علی اکبر، "امثال وحکم (۴جلد)"، تهران :انتشارات امیرکبیر، چاپ دهم ، ۱۳۷۷.
- سپهری ، سهراب ، "هشت کتاب"، تهران :انتشارات طهوری ، چاپ پنجم ، ۱۳۸۱.
- ستاری ، جلال ، "هویت ملی وهویت فرهنگی "، تهران :نشرمرکز، چاپ اول ، ۱۳۸۰.
- شاملو، احمد، "کوچه (حرف آ وحرف پ)"، تهران: انتشارات مازیار، چاپ اول ، ۱۳۷۸.
- طاهباز، سیروس ، "مجموعه ی کامل اشعارنیمایا"، تهران :موسسه انتشارات نگاه ، چاپ سوم ، ۱۳۷۳.
- فرخزاد، فروغ ، "مجموعه آثار"، تهران :انتشارات میلاد، چاپ اول ، ۱۳۷۸.
- هدایت ، صادق ، "نیرنگستان "، چاپ اول ، ۱۳۱۲
- یعقوب شاهی ، نیاز، "مجموعه آثارشاملو"، تهران :موسسه انتشارات نگاه ، چاپ اول ، ۱۳۸۰.
- ادبیات فارسی (۲)، دوره ی پیش دانشگاهی، وزارت آموزش وپرورش.
- فصلنامه ی علوم اجتماعی ، دانشگاه علامه طباطبایی ، شماره ی ۱۰، تابستان ۱۳۷۷.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.